

# ده مهر و نمایشگاه بین‌المللی صنعت

## اعظم رهبری

در دهم ماه مهر امسال نمایشگاه صنعت

طبق روال همه ساله در تهران و محل مناسبی نمایشگاهها برگزار می‌گردد. و بسیاری از دول صاحب صنعت نیز در آن شرکت می‌کنند و علاوه بر آن صاحبان صنایع در ایران و نمایندگان انحصاری شرکتها، خارجی هم در آن حضور دارند آنچه می‌ماند علم بررسی تاریخی - علمی علت عقبماندگی ما در صنعت روز جهانی است که در کنار این گونه نمایشها می‌تواند بسیار مؤثر افتد و این امر مهم با دعوت از کارشناسان و برگزاری محاسم و نیز نامرکات صنعتی در سال ماضی به هفته صنعت و نقد و نظر دیدگاهها و بررسی علل عقبماندگی و جستجوی راههایی برای جبران آن می‌بایستی مدنظر برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد. به طور کلی تجار و اصناف به دو گونه سدادکار سیر تحول جوامع غربی از عصر کشاورزی به عصر شهرنشینی و صنعتی جدید پیداشد یکی از راه رشد و توسعه تجارت، حمل و نقل، بانکداری و صنایع جدید و دیگر از راه دگرگون ساختن روابط دست‌پای قدرت فئودالی و استقرار مردم‌سالاری و دموکراسی بورژوازی. با این همه نقش صاحبان سرمایه در تحولات سیاسی و اقتصادی در همه کشورهای مغرب زمین یکسان نبوده است. در انگلستان و فرانسه و آمریکا، تجار و اصناف نقش عمده‌ای در تعیین مسیر تحولات تاریخی و حرکت جامعه به سوی سرمایه‌داری صنعتی و مردم‌سالاری ایفا کرده‌اند. حال آن‌که در آلمان (و همچنین در ژاپن) تحول جامعه از راه انقلاب از بالا و به استناد حکومتها، تعامات خود صورت گرفته است. مأمول در نقش تجار در تحولات این کشورها نشان می‌دهد که اوضاع و احوال مایل صنعتی در شکل گرفتن نقش طبقه سرمایه‌دار در تحولات سیاسی و اقتصادی تا حد زیادی مؤثر بوده است. از جمله شرایط مناسب برای شرکت فعالانه‌ی طبقه سرمایه‌داری در تحولات

تولید و زندگی شهری از جهت اقتصادی و فرهنگی بر شیوه تولید کشاورزی بر توی دارد در حالی که شیوه تولید و زندگی کشاورزی بواسطه ایلی و خونی را ملام بازتولید می‌کند و معیشت خانمانی و طبائکی و ایلی را زنده نگاه می‌دارد. و موجب جنگ‌باری و پرخاشگری و سلفه جویی است. سلفه‌ی سیاسی و نظامی جوامع ایلی بر اجتماعات شهری و روستایی موجب سکون اقتصادی در جامعه گردید زیرا از یک سو منابع رشد تولیدات کشاورزی و سبب کنی جریان آن به اجتماعات شهری شد و از سوی دیگر محدودیت‌هایی برای رشد و توسعه درون‌زایی سرمایه‌داری از بطن بازارها فراهم ساخت. از نظر سیاسی نیز حضور پررنگتر مشاییر در جامعه و اقدامات آنان در نظام سیاسی، نوعی توازن میان نهادهای قدرت مرکزی و نیروهای کشاورزی پدید آورد. حضور مشاییر نیرومند و سلفه‌ی آنان بر اجتماعات شهری، روستایی، منابع اساسی برای تقادم سلفه‌ی کامل قدرت مرکزی که از ناپدید شدن و توسعه سرمایه‌داری در آن عصر پدید آمد و جریانی سرمایه‌دار را در دوران ماقبل سرمایه‌داری دشوار ساخت و سبب کنی فعالیت‌های تولیدی در زمینه‌های کشاورزی و صنایع دستی و نیز موجب کنی و دشواری مبادلات بازرگانی گردید.

در دوران قاجاریه حکومت قاجاریه مأمول، نظام‌های نیرومند مرکزی و صاحب نظام‌های ملوک‌الطوایفی را، از نظر ایجاد شرایط لازم برای رشد سرمایه‌داری مستقل بکجا در خود کرد آورد بود و با ایجاد نامت‌های گوناگون منابع رشد و توسعه سرمایه‌داری صنعتی که نیازمند ثبات و امنیت است می‌گردید و تنها روزه‌هایی برای رشد سرمایه‌داری تجاری باز می‌گذاشت. جیمز فوبز که در اوایل دوران قاجاریه به ایران دیدن کرده است در این باره می‌گوید: صنایع عمده می‌سود و روی کشور ایران بسیار مملوع و مال و ناموس مردمان این سرزمین است که از سوست حکومت و نیز از تهرشی‌هایی که چنین حکومت‌هایی به طور مداوم در معرض آن است نشأت می‌گیرد. چرا که هیچ‌کس نماند به تولید کالایی که سامتی بعد از جنگش به در براند نخواهد زد. معارضه اعمال تجار بزرگ، معارضه بخش قابل ملاحظه‌ای از اموال در گذشتگان از سوی شاه و برخی از حاکم و در مواردی از سوی برخی از روحانیین پادشاه به حکومت خوداری حکام و محال بلندپایه‌ی دیپلماتی از پرداخت

سیاسی و اقتصادی و استقرار مردم‌سالاری، استقلال تجار و اصناف نیز در اجتماعات خودفرمان شهری و وجود امکانات عینی برای برقراری تعامل قوی میان نیروهای عمده اجتماعی یعنی دستگاه سلطنت، اشراف زمیندار و طبقه نوخاسته سرمایه‌دار و نیز واکنش مساعد زمینداران به کار برد شیوه‌های سرمایه‌داری در تولیدات کشاورزی است. تجار بزرگ کشور ما با آن‌که در راه تحقق رسالت تاریخی خود کوشش‌های بسیار نمودند و به سؤقت‌هایی نیز نایل شدند که دست‌آورد‌های عمده آن در آن دوران از نظر اقتصادی رشد مبادلات بازرگانی خارجی و از نظر سیاسی کوشش در راه ایجاد مشروطیت بود. لکن از دو جهت اساسی که یکی پیدایش سرمایه‌داری صنعتی و دیگری استقرار دموکراسی بورژوازی است با ناکامی روبرو شدند. چرا که استبداد داخلی همواره بسا ویژگی‌های شیوه‌های تولید در اجتماعات ایلی، شهری و روستایی را بکسو و استعمار خارجی از دیگر سوی مانع رشد سرمایه‌داری جدید صنعتی و تحقق رسالت تاریخی سرمایه‌داری ملی و سول جامعه‌ی ایرانی از دوران نیمه فئودالی شد. سبب اساسی به دوران سرمایه‌داری و شهری - صنعتی و جدید گردید.

گذشته از نظام سیاسی و اقتصادی شهرها و موقعیت تجار و اصناف در اجتماعات شهری که به نوبه خود منابع تاریخی عمده‌ای در راه رشد سرمایه‌داری پدید می‌آورد، هجوم ناپولیون به ایران از قرن پینجم تا قرن دهم و انامه‌ی سلفه‌ی آنان بر جامعه ایرانی منابع اساسی در راه توسعه اقتصادی و رشد سرمایه‌داری از بعضی بازارها را فراهم ساخت و شیوه‌ی تولید کشاورزی را به مذهبیه نظامی تولیدی که در مقابل نظام تولیدی شهری قرار داشت به تقوی رساند. آن‌ها به اتکالی سواره‌نظام بر تحرک خود تا اوایل قرن بیستم تقوی نظامی خود را محفوظ داشتند و منبع اصلی تمارک نیروی نظامی و جنگی کشور را تشکیل دادند و بدین‌گونه صنعتی سیاسی و نظامی خود را بر جامعه‌ی ایران و بر اجتماعات شهری و روستایی کشور به صور گوناگون نهادیم بخشیدند. به نظر این محققان بسا پیدایش شهرنشینی که همگام با نهادیم پادیه‌نشین است. دو شیوه‌ی معیشت کشاورزی و شهری رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند. در حالی که هر کدام از جمل بر دیگری تقوی و بر توی دارد. شیوه

قرضه‌هایی که از تجار دریافت می‌کردند، خوداری از پرداخت بهای کالا‌هایی که از تجار خریداری می‌کردند، غارت کاروان‌ها و بازارها از سوی شاهزادگان و قشون دولتی، اخاذی از تجار و سرمایه‌داران ملی و مردم به عناوین و بهانه‌های گوناگون مانند پیشکش و تحارف و تأمین مخارج قشون، اعمال فشار بر سرمایه‌های مستقل از حکومت در صورت ایستاده‌ی هر پسرار زورگویی‌های حکومت از موامل مهم بحران انباشت بوده است.

یکی دیگر از موانع داخل رشد سرمایه‌داری مستقل و ملی، که از سرشت حکومت و نهادهای سیاسی نشأت می‌گرفت ناپیمانی عمومی در سپاسی بود، به طوری که در چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه ۱۶۹ شورش و قیام مسلحانه از سوی خوانین، متنفذین محلی، شاهزادگان و مردم صورت گرفت که به طور متوسط حدود چهار شورش در هر سال بود. یکی از عوامل اساسی این ناپیمانی وجود ایالات متفرد و پراکنده بودن آنان در مناطق کشور بود زیرا آن‌ها غارت کردن کاروان‌های تجاری در قلمرو سلطه‌ی خود را از امتیازات مشروع خویش می‌دانستند بر طبق ه‌گزارش نمایندگان سیاسی بریتانیا در ایران، در فاصله سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ ه. ق. شرکت‌های تجاری و تاجران انگلیسی ۶۴ بار مورد زلزله قرار گرفته‌اند که ۲۲ مورد آن به وسیله شاهزادگان، امیران و سینه‌روستانیان ۳ مورد به وسیله قزاقان و ۴۰ مورد نامعلوم بوده است.

در چنین اوضاع و احوالی جامعه‌ی ایرانی یا به عرصه‌ی روابط بین‌المللی گذاشت و نیروهای استعماری در شمال و جنوب کشور شرایط نیه استعماری را بر کشور ما تحمیل کردند. وضعیت نیه استعماری هنگامی پدیدار می‌شد و استقرار می‌یافت که دو نیروی متخاصم استعماری در حوزه‌های نفوذ سیاسی و اقتصادی متاسی سرزمینی که دارای نهادهای حکومتی متاسی برای اداره‌ی امور داخلی خود بود با یکدیگر برخورد می‌کردند و رویارویی یکدیگر قرار می‌گرفتند. بدینگونه بدین آن که نیروهای استعماری آن سرزمین را به دوباره تقسیم کنند و مستقیماً اداره امور را به دست خود گیرند و آن را به شیوه‌های متقابل استعمار کهن اداره کنند. آن سرزمین را هم چنین حایلی میان خود نگاه می‌داشتند و آن را به حوزه‌های نفوذ نسلی می‌گردد و برای تثبیت نفوذ خویش در آن سرزمین به رقابت می‌پرداختند. رقابت نیروهای

استعماری در وضعیت نیمه‌استعماری بی‌شمای پراهمیتی از منظر ساختار تحولات سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های نیمه مستعمره در بر داشت که از مهم‌ترین آن‌ها حمایت از نهادهای کهن حکومتی و حفظ وضع موجود سیاسی و زیر نفوذ قرار دادن اعیان و اشراف این سرزمین‌ها و دست زدن به تحریکات منظم در سرزمین‌های نیمه مستعمره بود. از نظر اقتصادی، اذعان نماند نیمه مستعمره به بازار جهانی، سرآغاز پاشیدگی بازارهای کوچک و غیرقابل انعکاس محلی، رشد تجارت خارجی، تخصص در تولید و صدور مواد خام، زوال صنایع دستی، افتداد به مصرف موقوفات غربی و به طور کلی وابستگی اقتصادی به قدرت‌های استعماری بود. از مشخصات وضع تازه، بر هم خوردن توازن پرداخت، افزایش قرضه‌های خارجی، سلطه قدرت‌های استعماری بر مؤسسات اقتصادی مانند بانکها، کمربها و بازارهای محلی و هم چنین تسلط آنان بر بازار گران و اسفک بود.

وضعیت نیمه استعماری در ایران، در جریان نیم قرن کشاکش میان همسایگان شمالی و جنوبی با حکومت نوپای قاجارها رفته رفته پدید آمد و استقرار یافت. وقایع عمدگی که به استقرار وضعیت نیمه استعماری انجامید شکست‌های پدید که ابتدا روسیه تزاری و سپس بریتانیا بر حکومت قاجارها وارد آوردند و عهدنامه‌های ترکمان‌چای و پاریس را بر آنان تحمیل کردند شرایط نیمه استعماری که به دنبال تحمیل این عهدنامه‌ها در کشور ما پدید آمد تحولاتی برای فعالیت‌های بازرگانی تجار غربی در کشور فراهم آورد و سبب گردید تا بازرگانان خارجی و بالاخص بازرگانان دو کشور انگلیس و روسیه با استفاده از از امکانات بازار نوپای جهانی و حمایت و تشویق قدرت‌های استعماری و فرصت‌های اقتصادی که به طور نسبی در کشور ما وجود داشت، از اواخر قرن گذشته به این سرزمین روی آوردند. فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌داران و تجار غربی در ایران به دو گونه بود: صدور مواد خام کشور و وارد نمود کالا‌های صنعتی به ایران. بعدها گروهی از آنان و به خصوص برخی از سرمایه‌داران روسی، گذشتگی امور بازرگانی به فعالیت‌های صنعتی کشاورزی و سرمایه‌گذاری در ارتباطات نیز گرایش پیدا کردند. حال آن که سرمایه‌گذاران انگلیسی فعالیت خود را منحصر به امور تجاری و بانکی و

ارتباطی نمودند و با سرمایه‌گذاری در صنایع نفت جنوب تنها در یک رشته صنعتی مشارکت کردند.

سرمایه‌گذاران غربی که ابتدا برای فعالیت‌های بازرگانی به ایران روی آورده بودند از اوایل قرن چهاردهم به سرمایه‌گذاری صنعتی سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری در روشن زمین رودبار بود که به وسیله دو تاجر بوئانی که تحت حمایت دولت روسیه تزاری بودند انجام گرفت.

آلمانی‌ها در استانه‌ی جنگ جهانی اول متوجه ایران شدند و عده‌ای از سرمایه‌داران آلمانی با حمایت و تشویق دولت آلمان در تبریز و ارومیه سرمایه‌گذاری کردند. همزمان با دوران انقلاب مشروطیت و در دهه‌ی پس از آن، سرمایه‌داران خارجی، پیش از پیش سویه کشور ما شدند و به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دست زدند. سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی در این نوبت شامل انگلستان، سپهربرداری و تصفیه سپهربرداری از ضلالت شمال و بر تأسیس چند رشته راه‌آهن در خاک کشور بود. در سال ۱۳۱۹ ه. ق. ویلیام نوکس دارس، امتیازی برای شرکت نفتی و بهره‌برداری از منابع نفت ایران به جز منابع نفتی شمال کشور به مدت ۶۰ سال به دست آورد. پس از آنکه نفت نخستین شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۳۲۷ ه. ق. تشکیل گردید و عملیات اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت به سرعت گسترش یافت. ساختن پالایشگاهی در آبادان که در سال ۱۳۳۰ ه. ق. آغاز گردید. سه سال بعد خاتمه یافت.

به طور کلی مجموع فعالیت‌های سرمایه‌گذاران و دول غربی، بالاخص دو دولت روسیه و انگلیس سبب انحراف در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما را فراهم ساخت. بعدها با رشد شتابان بازرگانی خارجی، جلب توجه سرمایه‌داران خارجی به کشور و پیدایش گروهی از تجار نوگردد در اوایل قرن بیستم، موجب تزامک حائقل سرمایه‌ی لازم برای مشارکت تجار ایرانی در سرمایه‌گذاری مستخدم صنعتی شد. تأسیس کارخانه ابریشم‌تایی در رشت با سرمایه حاج محمد حسین امین الضربه که ۲ تا ۳ هزار تاملان نخ ابریشمی تولید شده در سال به مارشیل فرانسه صادر می‌شد تا در کارخانه‌های مربوطه آن جا مورد استفاده قرار گیرد این شخص در حدود

سال‌های ۱۳۰۶ هـ ق طرح جامعی برای توسعه و عمران مازندران تدارک دید که از اجزای عمده این طرح یکی استخراج معادن آهن مازان بود همراهِ با شیبه نخته‌بری و دیگری تأسیس خط آهنی به طول ۶۷ کیلومتر میان لامل و مدیوآباد بود. این کوشش وسیع، پس از مدتی عقیم ماند و سرمایه‌ی به کار رفته در آن بین رفته، تأسیس کارخانه‌ی ریسندگی در میرین دروازه دولت به وسع و مرتعی قلی خان صنایع‌الدوله که به درجه‌ی مهندسی تکنولوژی در آلمان نایل آمده بود علاوه بر آن تأسیس کارخانه آهن تراشی در نهران که نیز توسط صنایع‌الدوله انجام گرفته بود. تأسیس کارخانه ریسندگی در سربیز، کارخانه‌های کوچک چراغ گاز و چراغ برق در خیابان شرقی مینان توپخانه و به‌سبب‌ی حاج میرزا حسین خان قزوینی، کارخانه‌های نساجی که از زمان عباس میرزا و امیرکبیر وارد شده بودند. کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی، و کارخانه‌های آسیاب‌های بخاری، آج‌پزی، مسابون‌پزی و منگیزنی. اما این کوشش‌ها عمدتاً ناموفق بودند. نگاهی به سرنوشته کارخانه‌هایی که در این دوران تأسیس شده‌اند نشان می‌دهد تنها یکی از کارخانه‌های موفق بودند که به آسان‌سازی محصولات تکنولوژی‌ی می‌پرداختند. مانند کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی، حال آن‌که کارخانه‌هایی که با مصنوعات خارجی رقابت داشتند مانند کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و کارخانه‌ی قند با شکست روبه‌رو شدند. یکی از علل مهم دهه‌یی که به انقلاب مشروطیت انجامید، پیدایش شور و شوق ملی برای ایجاد شرکت‌های صنعتی بود تا با بستگی به آگاهای وارداتی غریب‌ان گشتن دهند. این جنبش را ابتدا نثی چند از تجار و روشنفکران در اصفهان آغاز کردند و آنجمنی به نام انجمنی شرقی تشکیل دادند که هدفش رفع احتیاج از شرعی خارج بود.

به گفته‌ی مؤسس این انجمن «یکدسته که اهل میر بودند فزادند در ماه مبارک رمضان در سن مردم در به استیصال اتمعی داخله ترغیب کنند و دسته‌ی دیگر مأمور شدند که با تجار مذاکره نموده آن‌ها را به جمع کردن سرمایه و تشکیل شرکت وعظی تشویق نمایند و این هر دو مقصد به زودی انجام گرفت. در همین زمان انجمنی نیز موصوم به فاتحین اسلام، برای ترویج پارچه‌های وطنی تأسیس شد. این حرکت‌ها سپس در اردستان نیز تکرار شد در

نخستین سال‌های انقلاب مشروطیت فکر تشکیل شرکت‌های ملی برای توسعه صنایع داخلی در سه مورد پررؤز کرد. نخست در تأسیس این سال (۱۳۲۵ هـ ق) انجمن تجار یزد شرکتی با سرمایه‌ی هجده هزار تومان برای تأسیس و به کار انداختن کارخانه‌های پارچه‌بافی تشکیل دادند. آسان در نظر داشتند ماشین‌آلات و متخصصین مربوطه را از روسیه وارد کنند و از طما تلقاناً کنند تا قداش رنگی را نجس اعلام نمایند دوم پیشنهاد کاشف‌السلفه، متکرر گشت و توسعه چای‌کاری در ایران. به مجلس شورای ملی برای شکل شرکتی از بازرگانان به منظور توسعه‌ی چای‌کاری در کشور و تأسیس کارخانه‌های چای در گیلان و مازندران و تهران بود. سوم پیشنهاد تجار و اصناف مشهد برای تأسیس شرکت‌هایی ملی که تحت نظر مجلس شورای ملی باشد. در این میان شور و شوق اجتماعی برای تأسیس بانک ملی که کلبه فعالیت‌های بانکی کشور را در اختیار آورد و در مواقع ضروری برای دولت سرمایه فراهم آورد و دولت را از قرضه‌ها خارجی بی‌نیاز سازد و به نشر اعتماد سرمایه‌داری که مهم‌ترین جنبش ملی اقتصادی در آغاز انقلاب مشروطیت ایران بود به طور کلی در این دوره به خاطر حضور تجاری که خود را رقیب سرمایه‌داران غریبی می‌دانستند و دارای تمایلات سرمایه‌داری ملی بودند در اوایل قرن بیستم جنبش اجتماعی و سیاسی برای ترویج اتمعی وطنی و تأسیس بانک ملی و نیز کوتاه کردن دست خارجی‌ها از اقتصاد کشور پدید آمد که در دو جنبش تنباکو و مشروطیت خود به شکنی نمایاند. اما همه این تلاش‌ها عقیم ماند. در فضای سیاسی آن دوران نیز، که متأثر از بقایای شیبه تولیدی نیمه قذوقالی-شبه آسیایی بود، پانرمونیالیسم سنتی که مشروعی را از اقتدار و اطاعت مطلقه قداست حکومت و پندرسالاری سیاسی می‌گرفت و بر ساختار عمودی یکجانبه و غیرمشارکتی و غیررقابتی تأکید مطلق داشت، با تقاضای سلطه قاجار به شیبه مدرنیسم پهلوی جای آن را گرفت و چون این شیبه مدرنیسم در ساختار سیاسی در تلاش بود تا پانرمونیالیسم سنتی را به شکلی نو بازتولید کند. کماکان در حوزه‌های قدرت تغییر اساسی به وقع نیویست. و علاوه بر آن وبالخاص در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی، وابستگی اقتصادی ایران به دول خارجی بیش از پیش رونق گرفت و استراتژی توسعه صادرات که در

آن زمان حکومت خود را ملزم به بساده کردن تعاملی اجزای آن در کشور می‌دید. عملاً راهبردی بود که اطربانان و نزدیکان حکومت اجازه می‌داد تا دست در دست شرکتها و تراست‌های مالی - صنعتی خارجی اقتصادی را تسر از سازمان دهند. اجازه شکل‌گیری و رشد سرمایه‌های ملی را ندادند. علاوه بر آن رشد طبقه‌ی بازاری از اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ به بعد با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی، تأکید بر بخش تولیدی و صنعتی وابسته به شرکت‌های خارجی مواجه با محدودیت‌هایی شد و در دهه‌ی ۱۳۵۰ در مقابل طیف‌ات بازاری طبقه‌ی سرمایه‌دار مالی و صنعتی مغرب‌نشین وابسته‌تئوین دولت‌به‌وجود آمد. این سیاست‌ها بازار را به دست روه‌بازین کشید.

آن‌ها در جریان قیام سال ۲۲ نقش برجسته‌ای ایفا کردند و بعد از انقلاب بهمن ۵۷ نیز نقش مستاری در حکومت یافتند. بعد از انقلاب و در زمان جنگ لایه‌های بالای بازار و به استفاده از موفقیت جنگی کمانده در حالی که لایه‌های پایینی و میانی بازار سعی آن کردند که بخشی از هزینه‌های جنگ را پرداخت نمایند اما لایه‌های بالای بازار به سمت صنایع اثرز بر رفته و از این طریق سرمایه‌ی خود را چندین برابر تبدیل کرده و صاحب بخش عظیمی از نقدینگی جامعه شدند. در ابتدا افکار عمومی آن‌ها را تروریست اقتصادی می‌نامیدند ولی بعدها محور اصلی رانت‌خواری را تشکیل و ساخت اقتصاد راستی را سازمان دادند. دولت‌هایی که بعد از انقلاب بر سر کار آمدند گاه سیاست اقتصادی جایگزینی واردات و گاه نیز سیاست جایگزینی واردات را دنبال کردند. اما به علت یافت حکومت و هزنام سنت‌گرایسی ایدئولوژیک که در آن نوعی پانرمونیالیسم مدرنیستی با برخی از عناصر شیبه مدرنیسم بود نوعی سربازگیری و اقتدارگرایی به ترکیب شده است. هر اهریودی یا توئیهای گوناگون رونه‌رو و راهبردی مشخصی در فضای اقتصادی ایران سلطه نیافته است. در چنین چشم‌اندازی بسیاری از واحدهای تولیدی کهنه و فرسوده از کار بازمانده‌اند و برنام‌مزیان صنعتی هنوز چشم‌انداز روشنی پیش روی اقتصاد کشور و بناالخاص طبقه‌ی سرمایه‌دار صنعتی که بشر تئوین صعه‌ا را دیده است نگشده‌اند و آن در حالیست که انقلابات تکنولوژیک بی‌ش برین، فاصله‌ها را با جهان صنعتی بیش از پیش می‌کند.